

بررسی فقهی راه کارهای افزایش سرمایه اجتماعی در حکومت اسلامی

دریافت: ۱۴۰۰/۲/۲۶ تأیید: ۱۴۰۰/۱۰/۱۵
مریم بیدخام*
وسیدمحمد مهدی احمدی** و احمد مرادخانی***

چکیده

سرمایه اجتماعی را می توان مجموعه ای از عناصر؛ نظیر انسجام، اعتماد و هنجارها دانست که توجه به آن ها می تواند موجب افزایش هم کاری افراد با یکدیگر گردد. در تعالیم اسلامی ظرفیت های بی بدیلی وجود دارد که حکومت اسلامی می تواند از آن ها در راستای ارتقای سرمایه اجتماعی بهره جوید و از آن جا که ارتقای سرمایه اجتماعی در جامعه منجر به افزایش امنیت و کاهش بسیاری از آسیب های اجتماعی می شود، بی توجهی به آن ها نیز می تواند بحران های احتمالی را رقم زده و هزینه های گزافی را بر گرده جامعه تحمیل نماید. این پژوهش بر آن است که با واکاوی در متون اسلامی، شاخص هایی را که منجر به تولید و باز تولید سرمایه اجتماعی می شوند، شناسایی تا با امکان سنجی و کاربست آن ها در حکومت اسلامی نتایج مطلوبی حاصل شود.

روش تحقیق در این مقاله کیفی و مبتنی بر نظریه زمینه ای (گرند تئوری) است. توجه و کاربست آموزه های اسلامی در عرصه های مختلف فردی و اجتماعی، منجر به قوام و انباشت سرمایه اجتماعی می شود. دستاوردهای پژوهش نیز حاکی از آن است که در بسیاری از تعالیم اسلامی به طور تلویحی شرح مضامین سرمایه اجتماعی رفته است. از این روی، حکومت اسلامی می تواند از آن ظرفیت بی بدیل در راستای تحقق بخشیدن به امکان افزایش سرمایه اجتماعی سود جوید.

واژگان کلیدی

سرمایه اجتماعی، فقه حکومتی، حکومت اسلامی

* دانشجوی دکتری تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم:

Maryam.bidkham@gmail.com

** عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم: smm.ahmadi@gmail.com

*** عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم: ah_moradkhani@qom-iau.ac.ir

مقدمه

امروز در کنار سرمایه‌های انسانی و اقتصادی، سرمایه دیگری به نام سرمایه اجتماعی نیز مورد توجه قرار گرفته است. سرمایه اجتماعی از مفاهیم نوینی است که در چند دهه اخیر در اکثر رشته‌های علوم انسانی به کار می‌رود و به روابط و تعاملات بین اعضای جامعه مربوط می‌شود. تعالیم قرآنی بر نقش و اهمیت زوایای مختلف سرمایه اجتماعی در سعادت جوامع بشری تأکید دارند. از این رو، بازبینی روابط اجتماعی بر مبنای تعالیم قرآن و گسترش دانش عمومی در این حوزه می‌تواند به افزایش سطح سرمایه اجتماعی در جامعه کمک شایانی کرده و از این طریق، راه را برای عمل‌کرد بهتر سرمایه‌های فیزیکی و انسانی در جهت رشد و تعالی افراد جامعه فراهم آورد.

سرمایه اجتماعی عبارت است از مفاهیمی چون اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه یک اجتماع شده و در نهایت منابع متقابل آنان را تأمین می‌کند. این شاخصه‌ای است که به دلیل پیامدهای خرد و کلان خود چنان با ابعاد توسعه آمیخته گشته که به عنوان عامل اجتناب‌ناپذیر از ملزومات توسعه محسوب می‌گردد، اما آنچه که به عنوان سؤال مطرح است، این است که چگونه سرمایه اجتماعی با فرآیند توسعه مرتبط و به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار معرفی می‌شود؟ بدیهی است که تکوین سرمایه اجتماعی مستلزم وجود عواملی چند است که یکی از آن‌ها دین و آموزه‌های دینی است. به نظر می‌رسد که دین به عنوان ارزشی متعالی با کارکردهایی چون انضباط‌بخشی، حیات‌بخشی، انسجام‌بخشی و... سازوکارهایی را موجب می‌شود که در قالب آن‌ها سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد و پایه‌های تحکیم توسعه فراهم می‌شود.

به نظر می‌رسد برای تبیین امکان‌سنجی ارتقای سرمایه اجتماعی در حکومت اسلامی، باید به راه‌کارهای اجرایی (ایجابی و سلبی) این موضوع، بر اساس گزاره‌های اسلامی پرداخت. در این راستا تلاش خواهد شد تا به این پرسش پاسخ

داده شود که آیا گزاره‌هایی؛ نظیر امر به معروف و نهی از منکر، تولی و تبری، عدالت، مشورت، تعاون و ... در حکومت اسلامی می‌توانند منجر به افزایش سرمایه اجتماعی شوند؟

روش تحقیق در این مقاله کیفی و مبتنی بر نظریه زمینه‌ای (گرنند تئوری) است. گرنند تئوری یک روش پژوهشی استقرایی و اکتشافی برای تولید تئوری است. منظور از نظریه زمینه‌ای، نظریه برگرفته از داده‌هایی است که در طی فرآیند پژوهش به صورت نظام‌مند گردآوری و تحلیل شده‌اند. در این راهبرد، گردآوری و تحلیل داده‌ها و نظریه‌ای که در نهایت از داده‌ها استنتاج می‌شود.

پیشینه پژوهش

محمد مهدی جوکار در اثری به عنوان «مؤلفه‌های قدرت نرم از منظر فقه سیاسی اسلام؛ با تأکید بر وظیفه‌مندی حکومت در جلب اعتماد مردم»، بعد از آن‌که ضرورت تشکیل حکومت اسلامی را به عنوان مفروض بیان کرده و یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم را ایجاد اعتماد در مردم می‌داند، به بیان وظایف حکومت اسلامی در اعتمادسازی پرداخته و می‌نویسد:

اگر حکومت اسلامی بخواهد دارای قدرت نرم و مشارکت حداکثری مردم باشد، باید در انتصاب کارگزاران و مراعات حقوق مردم، بیش‌ترین تلاش را نماید (جوکار، ۱۳۹۴، ص ۲۴۵).

و نتیجه می‌گیرد که هر قدر حکومت بتواند زمینه حمایت مردم را فراهم نماید، به همان میزان دارای قدرت نرم خواهد شد و بالعکس و هر قدر که از حمایت مردم کم شود، به همان میزان حکومت از قدرت نرم تهی گشته و به مرور زمان دچار اضمحلال و نابودی خواهد شد.

زینب ارسلان مقدم در پژوهشی تحت عنوان «مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در سیره نبوی» می‌نویسد:

در رابطه با تأثیر دین بر سرمایه اجتماعی می‌توان گفت: یکی از کارکردهای

مهم دین در طول تاریخ حیات خود در ساحت اجتماعی، ایجاد، حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی بوده است. زیرا بسیاری از قواعد، دستورها و اصول اسلامی در کنار کارکردهای گسترده‌ای که دارند، اعتماد، انسجام و مشارکت اجتماعی را به ارمغان می‌آورند. بنابراین، دین از راه‌های گوناگون تأثیر مهمی بر روی عناصر سازنده مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی گذاشته و می‌گذارد؛ از آن‌جا که بیش‌تر آموزه‌های مؤثر در ایجاد سرمایه اجتماعی منحصر به دین هستند، هیچ پدیده دیگری نمی‌تواند در این جهت، بدیل دین قرار بگیرد و کارکرد و نقش دین را در این زمینه ایفا نماید. بنابراین، هرچه ارزش‌های دینی، فرهنگی و اخلاقی تقویت شود، رفتار افراد پیش‌بینی‌پذیر خواهد بود؛ زیرا که افراد در چهارچوب قواعد خاصی رفتار می‌کنند. از این‌رو، قابلیت اعتماد افراد بیش‌تر است و در نتیجه مناسبات اجتماعی روان‌تر و کم‌هزینه‌تر صورت می‌گیرد. این همان چیزی است که سرمایه اجتماعی در پی آن است (ارسلان مقدم، ۱۳۹۴، ص ۱۰۶).

نرگس شکرپیگی در پژوهشی که با عنوان «بازتاب سرمایه اجتماعی در قرآن و حدیث» انجام داده است، این‌گونه می‌نویسد:

آموزه‌های گران‌قدر اسلامی همواره توجه ویژه به تمام ابعاد وجودی انسان داشته است. خداوند متعال برای آن که انسان در مسیر وجودی خود به سعادت و در نهایت، کسب رضای الهی نایل آید، تمامی مقدمات را فراهم نموده است. با آن‌که اصطلاح سرمایه اجتماعی در آیات و روایات به صورت مستقیم نیامده، اما مفاهیم پایه این اصطلاح؛ مانند اعتماد اجتماعی، مشارکت، هم‌بستگی اجتماعی و ... در بسیاری از آیات و روایات، شناخت و تبیین دیدگاه اسلامی در زمینه سرمایه اجتماعی را میسر ساخته است. دستور اکید قرآن کریم و احادیث، مبنی بر حفظ وحدت و پرهیز از انواع عوامل اختلاف‌زا، قبیله‌گرایی، نژادپرستی، نظام طبقاتی و انواع عصبیت‌ها تشویق به فعالیت‌های مشارکتی، برقراری رابطه آخرت و برادری بین اقشار گوناگون

اخلاق‌مداری و ترویج روحیه دگرخواهی، تنها گوشه‌ای از بازتاب سرمایه اجتماعی است (شکرپیگی، ۱۳۹۶، ص ۲۰۹).

حسن محمدی در اثری با عنوان «بازشناخت مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر اساس روابط افراد با یک‌دیگر در آموزه‌های اسلامی» این چنین می‌نگارد:

سرمایه اجتماعی در دهه‌های اخیر مورد توجه دانشمندان مختلف قرار گرفته است. انسان‌ها از طریق برقراری ارتباط با یک‌دیگر زمینه را برای شکل‌گیری نوع خاصی از سرمایه فراهم می‌کنند که از آن تعبیر به سرمایه اجتماعی می‌شود. تسهیل‌کنش افراد با یک‌دیگر و کارآمدسازی سایر انواع سرمایه‌ها از قبیل سرمایه انسانی، سرمایه فیزیکی و سرمایه مالی از کارکردهای سرمایه اجتماعی است. نقطه تلاقی مفهوم سرمایه اجتماعی و معارف دینی، تبلور مفاهیم ناظر به ساماندهی روابط انسان‌ها با یک‌دیگر در ادبیات دینی است. توجه به این مقوله از چنان فراوانی برخوردار است که برخی بر این باور هستند که تنظیم روابط اجتماعی افراد را می‌توان در تمامی گزاره‌های دینی یافت (محمدی، ۱۳۹۸، ص ۳۴).

هادی فنائی در پژوهشی با نام «بازخوانش بنیادهای مفهومی سرمایه اجتماعی در متون دینی» می‌نویسد:

با توجه به این که سرمایه اجتماعی برخاسته از فرهنگ و دین هر ملتی است، از این جهت به لحاظ کمی و کیفی وابسته به میزان ظرفیت، رشد، تعالی و بسط‌یافتگی است که در فرهنگ و دین آن ملت وجود دارد. امت اسلامی با بهرمندی از دین جامع و کامل و فرهنگ فاخر، می‌تواند بیش‌ترین سرمایه اجتماعی را بازتولید نماید. قدرت و غنایی که در سرمایه اجتماعی برخاسته از فرهنگ و تمدن اسلامی است، قابل مقایسه با گونه‌های دیگر از سرمایه‌های اجتماعی نیست. بخش مهمی از دین‌داری در گرو تعامل با دیگران رقم می‌خورد و سرمایه اجتماعی متاع این تعامل است. زیست مؤمنانه میدانی برای نمایش سرمایه اجتماعی در جامعه دینی است. اصول و

مفاهیمی؛ مانند اصالت نهاد خانواده، صله ارحام، اخوت دینی، محبت، وحدت و اتحاد، شورا، تعاون و هم‌کاری، انفاق، مرجعیت دینی، شعائر اسلامی؛ نظیر نماز جمعه و جماعات، حج و... تنها بخشی از سرمایه اجتماعی منتشر در جامعه اسلامی است که مدیریت صحیح آن می‌تواند جامعه را به سمت و سوی تعالی، سازندگی، توسعه، رفاه، دفع و رفع مشکلات فردی و جمعی سوق دهد (فناپی، ۱۳۹۸، ص ۵۹۱).

با عنایت به پژوهش‌های مطرح‌شده، نقاط اشتراک و افتراقی میان مقاله پیش رو و پژوهش‌های مذکور دیده می‌شود. نقطه اشتراک، توجه به شاخص‌های تأثیرگذار در ارتقای سرمایه اجتماعی است. اما تفاوت و وجه افتراق پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌ها در این است که این پژوهش در صدد امکان‌سنجی و بررسی عناصر تأثیرگذار سلبی و ایجابی در ارتقای سرمایه اجتماعی از منظر گزاره‌های اسلامی (نظیر امر به معروف و نهی از منکر، تولی و تبری، عدالت، مشورت، تعاون و...) است که در این نوشتار به آن پرداخته شده است.

راهبردهای ایجابی در ارتقای سرمایه اجتماعی

در حالی که سازوکار و راه‌کارهای افزایش سرمایه اجتماعی از دیدگاه صاحب‌نظران علوم اجتماعی هنوز نیازمند بررسی و تحقیق است، اما از منظر دینی، راه‌کارهایی مشخص در این خصوص وجود دارد.

راهبردهای ایجابی هم‌چون امر به معروف و نهی از منکر، عبادات جمعی، مساوات، صداقت، مودت، حسن ظن به برادر دینی، اصل بر برائت‌بودن در روابط اجتماعی، رعایت حق الناس، احترام به والدین، حرمت غیبت و تهمت و مانند آن نقش مؤثری در افزایش سرمایه اجتماعی دارند.

راهبردهای ایجابی در راستای ارتقای سرمایه اجتماعی به این دلیل حائز اهمیت است که دارای سه مؤلفه مهم اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی می‌باشد و به دلیل وابستگی و ارتباط متقابل و محکمی که با سایر سرمایه‌های فیزیکی،

اقتصادی و انسانی دارد، به افزایش توسعه اقتصادی، فرهنگی و رشد و بالندگی جامعه منجر می‌شود و علاوه بر آن، موجب ایجاد حس هم‌کاری و هم‌پاری و مشارکت میان اعضای جامعه می‌شود. در آموزه‌های اسلامی، راه‌کارهای غنی‌سازی سرمایه اجتماعی، ارائه شده و در قرآن کریم، راجع به مباحث مربوط به اجتماع انسان‌ها و کسب و ارتقای سرمایه اجتماعی برای تکامل و رشد مادی و معنوی تأکید فراوانی شده است. در این بخش به بررسی برخی از راه‌کارهای ایجابی که به این امر تصریح دارد، اشاره می‌شود.

امر به معروف و نهی از منکر

هر جامعه‌ای برای اجرای قوانین و مقررات و پیروی اعضای آن از هنجارها، نیاز به مراقبت‌های رسمی و غیر رسمی دارد. این نوع مراقبت‌ها در اصطلاح دین، همان امر به معروف و نهی از منکر است. انجام این امر با رعایت شرایط آن باعث به‌وجود آمدن یک نظارت عمومی و مراقبت خودجوش در بین مؤمنان، جهت پیروی از هنجارهای دینی و اجتماعی و تشکیل جامعه‌ای سالم و ایده آل می‌شود (میریان و صمدانیان، ۱۳۸۸، ش ۸۲/۳، ص ۱۵۰). امر به معروف و نهی از منکر به دلیل عقل، واجب و به دلیل شرع، واجب کفایی است با چهار شرط: اول آن که معروف و منکر را بشناسد، احتمال تأثیر دهد، نشانه پشیمانی را در مرتکب نبیند و آخر آن که مفسده‌ای در آن نباشد (علامه حلی، ۱۳۷۲، ص ۲۲۳).

علاوه بر آن، امر به معروف و نهی از منکر دارای آثاری است که جامعه را کنترل نموده و آن را به سوی کمال و ارزش‌های والای انسانی سوق می‌دهد. اگر این دو مهم در جامعه با رعایت اصول و مبانی مؤکد در فقه اسلامی و هم‌چنین توجه به شرایط و مراحل آن نهادینه شود، بسیاری از معضلات و آسیب‌های اجتماعی در جامعه کاهش پیدا کرده و جامعه از امنیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اخلاقی بهره‌مند می‌گردد. چرا که در صورت بی‌توجهی به شرایط و مراحل «دعوت به معروف» و یا «نهی از منکر» خود عامل مفسده‌ای بزرگ‌تر خواهد شد.

در واقع می‌توان گفت امر به معروف و نهی از منکر با ریشه‌های مبتنی بر آیات و روایات، یک نوع تعهد و مسئولیت اجتماعی نسبت به امورات پیرامونی جامعه است که باید با شیوه‌ای مبتنی بر حفظ حرمت و کرامت انسان‌ها و همچنین رعایت اصول اخلاقی انجام شود. زیرا در صورت بی‌تفاوتی در جامعه، علاوه بر رواج گناه و معصیت، خود این بی‌تعهدی عاملی در راستای کاهش سرمایه اجتماعی خواهد بود. به طور حتم، هر جامعه‌ای برای پویایی، توسعه و پیشرفت، نیازمند آرامش و امنیت است که در این راستا از جمله مهم‌ترین آثار اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر ایجاد امنیت و در نتیجه ارتقای سرمایه اجتماعی است.

فریضه الهی «امر به معروف و نهی از منکر» به عنوان یک کنش دینی، اجتماعی و همچنین به عنوان نوعی تعهد و مسئولیت‌پذیری در پیوندهای گروهی نقش مهمی را ایفا می‌کند. به طوری که می‌توان گفت در سایه نظارت همگانی، آحاد جامعه از میزان انحرافات و کج‌روی‌های اجتماعی در امان بوده و در نتیجه به سلامت اجتماعی افزوده می‌شود. این احساس مسئولیت اجتماعی از شاخصه‌های سلامت در جامعه بوده که منجر به بهبود سرمایه اجتماعی و تقویت آن می‌شود.

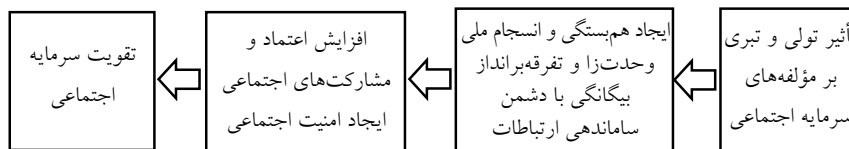
تولی و تبری

«تولی» به معنای دوست‌داشتن، تبعیت و پذیرش ولایت خدا، پیغمبر 9 و ائمه : (بحرانی، ۱۴۲۲ق، ص ۴۶) و «تبری» نیز به معنای بیزاری‌جستن است (معین، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۹۱). یعنی روح و قلب آدمی باید حالتی پویا و تحریک‌پذیر داشته باشد و همواره نسبت به دشمنان خدا و اولیای پاک او، مصداقی واقعی یافته و در دو مرتبه درونی و بیرونی از آنان بیزار و برکنار باشد (شکوری، ۱۳۷۷، ص ۴۲). در واقع می‌توان گفت دو امر تولی و تبری، در گفتار و سیره عملی پیشوایان معصوم : در کنار یک‌دیگر و مکمل هم بوده و به نوعی لازم و ملزوم یک‌دیگر محسوب می‌شوند. انسانی که دارای تولی و تبری است، از سویی با انسان‌هایی که دارای این ویژگی هستند، متحد شده و در پرتو اتحاد، انسجام اجتماعی ایجاد می‌شود که نتیجه آن

پیروزی است و از سویی با تبری به دشمنان حق نزدیک نشده و آن‌ها را به اسرار خود راه نمی‌دهد و در نتیجه، بیگانگی با دشمن را حفظ و به صورت بیگانه با او برخورد می‌کند که پیامد آن مصونیت از آفات و آسیب‌های دشمنان است (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۱۰). تولی و تبری به قدری مهم است که در آیات قرآن به عنوان نشانه ایمان و در روایات، به عنوان مهم‌ترین رکن و عامل تحقق بخش ایمان دانسته شده است (برقی، ۱۳۳۱، ص ۱۶۵).

از آن‌جا که یکی از مهم‌ترین ابعاد و جلوه‌های تولی و تبری، بعد اجتماعی آن است، می‌توان این اصل را یکی از مهم‌ترین عوامل تقویت‌کننده سرمایه اجتماعی دانست؛ چرا که مهم‌ترین فلسفه‌ها و کارکردهای تولی و تبری در زمره اساسی‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی قرار دارد.

از سویی دیگر، تولی و تبری از مهم‌ترین عوامل وحدت‌زا و تفرقه‌براننداز و بستر مناسبی برای رشد و بالندگی آن و در نتیجه تقویت سرمایه اجتماعی به شمار می‌آید. به عبارت دیگر، در سایه همین وحدت و انسجام است که مشارکت‌های اجتماعی تقویت و جامعه به سمت رشد و تعالی حرکت می‌کند.



انفاق

خداوند در آیه ۲۷۴ سوره بقره می‌فرماید:

«الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»؛ کسانی که مال خود را در شب و روز انفاق کنند، نهان و آشکارا آنان را نزد پروردگارشان پاداش نیکو خواهد بود و هرگز بیم‌ناک و اندوه‌گین نخواهند گشت.

این آیه بشارتی است برای کسانی که اموال خود را در راه خداوند به دیگران انفاق

می‌کنند، مبنی بر این‌که زندگی خوبی در دنیا خواهند داشت و از دشمنی مردم در امان خواهند بود؛ چرا که خداوند محبت آنان را در دل مردم ایجاد می‌کند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ص ۵۴۶). برخی نیز این آیه را به کم‌نشدن از اموال تعبیر کرده‌اند (خسروانی، ۱۳۹۰ق، ص ۳۶۴) که خود ضمانتی از طرف خداوند است، مبنی بر این‌که با انفاق مال، از میزان آن کاسته نمی‌شود و با این کار در درجه اول به خود کمک کرده است. در جامعه‌ای که انفاق می‌شود، مردم با یک‌دیگر صمیمی و مهربان هستند؛ چرا که حس هم‌دردی و محبت در میان آن‌ها وجود دارد (قرشی بنابی، ۱۳۷۵، ص ۵۱۸). بنابراین، به وجود آمدن آرامش و امنیت از نتایج کاملاً ملموس انفاق است (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۴۳۵).

علاوه بر آن، انفاق مال در میان نیازمندان جامعه؛ هم باعث انسجام اجتماعی می‌شود و هم حس مسؤولیت ایجاد می‌کند و مردم خود را نسبت به دیگران متعهد می‌بینند و نمی‌توانند نسبت به نیازها و مشکلات سایر افراد جامعه بی‌تفاوت باشند. از سوی دیگر، دریافت‌کنندگان نیز نسبت به کسانی که به آنان انفاق می‌کنند، حس خشیت و تواضع می‌یابند. در واقع می‌توان گفت انفاق مال در جامعه به گونه‌ای حس مسؤولیت‌پذیری را در جامعه افزایش می‌دهد؛ بدین نحو که هم انفاق‌کننده همواره خود را نسبت به افراد جامعه مسؤول می‌بیند و نسبت به آنان بی‌تفاوت نیست و هم کسانی که این انفاق‌ها را دریافت می‌کنند، نسبت به انفاق‌کنندگان احساس دین و حق می‌کنند و در برابر آنان بی‌تفاوت یا حس دشمنی نخواهند داشت. این کارکرد در میان افراد جامعه، همان سرمایه اجتماعی است که موجب قوام و دوام جامعه می‌شود.

وقف

وقف املاک و دارایی و برنامه‌ریزی صحیح جهت انباشت و نگهداری آن باعث ایجاد سرمایه اجتماعی می‌گردد. اهمیت سنت وقف در تعالیم اسلامی به اندازه‌ای است که در مباحث فقهی یک کتاب فقهی به آن اختصاص یافته و مقررات، قوانین و احکام آن به تفصیل بیان شده است. صاحب شرایع الاسلام وقف را این‌گونه تعریف می‌فرماید:

«تحبیس الاصل و اطلاق المنفعة» (محقق حلی، ۱۳۷۳، ص ۴۴۲)؛ با حفظ عین مال، منفعت آن را به مردم واگذار نمایند. یعنی سرمایه و ملکی به عنوان وقف اختصاص یابد تا با حفظ این سرمایه از منفعت آن استفاده گردد.

وقف را «صدقه جاریه» نیز گفته اند؛ یعنی حبس عین مال و اطلاق و رهاکردن منفعت و مباح کردن آن و فی سبیل الله قرار دادن است. به گونه ای که دیگر نتوان آن را معامله کرد (فیض، ۱۳۷۱، ص ۳۸۱). مال وقفی برای هر کار خیر و هر چه رضای خدا در آن است، استفاده می شود (علامه حلی، ۱۳۷۲، ص ۴۵۶). هم چنین اسلام به مؤمنین توصیه می کند تا بخشی از املاک خود را وقف نمایند. وقف املاک برای امور خیر، علاوه بر این که نوعی احسان و انفاق محسوب می گردد، موجب می شود تا جامعه اسلامی از این سرمایه اجتماعی منتفع گردد. امانت داری و مدیریت صحیح اموال موقوفه موجب می شود تا مردم بخشی از املاک خود را وقف نمایند.

وقف به عنوان یک کار خیر، عملی الهی است که واقف با نیت خیرخواهانه و با احساس مسؤولیت اجتماعی، تمام یا قسمتی از مال خویش را بی آن که انتظار دریافت پاداشی داشته باشد، برای رضای خداوند به دیگران واگذار می کند. سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از مهم ترین سرمایه های موجود در هر جامعه، می تواند به عنوان بستری مناسب به منظور تحقق اهداف خیرخواهانه و امور خیر مورد استفاده قرار گیرد.

مسؤولیت پذیری

یکی از اصول اجتماعی بنیادی مورد نظر دین اسلام که می تواند نقش مؤثری در ارتقای سرمایه اجتماعی ایفا نماید، اهتمام مسلمانان و مسؤولیت پذیری آنان نسبت به یکدیگر است که از آن به «تکافل اجتماعی» نیز تعبیر شده است. یعنی مسؤولیت و تکالیفی که اعضای جامعه نسبت به یکدیگر دارند. احادیث و روایات زیادی در این زمینه وجود دارد که اهمیت این اصل را می رساند. سخن معروف پیامبر اکرم **ﷺ**: «من اصبح ولم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۶۳)، بهترین

شاهد و گواه بر این مدعاست. گروه‌ها و جوامعی که سرمایه اجتماعی بالایی دارند، نه تنها میزان تعهد و مسئولیت‌پذیری، انعطاف‌پذیری، رهبری مناسب کنش جمعی در آن‌ها، در سطح بالایی قرار دارد، بلکه کاهش فقر و توسعه اقتصادی، تسهیل مبادله و هماهنگی فعالیت‌ها، توسعه، میزان مشارکت و تعلق اجتماعی، پیشرفت کاری و در نهایت، رهبری در راستای مطلوبیت‌های اساسی سازمان را در پی دارد (جعفری و میرمقدم، ۱۳۹۲ ش ۲۸، ص ۶۸). آنتونی گیدنز معتقد است که نمی‌توان انسجام اجتماعی را به صورت دستوری از بالا به پایین توسط دولت‌ها، ایجاد و تضمین کرد، بلکه افراد جامعه با قبول مسئولیت‌پذیری بیش‌تر، می‌بایست راهی برای تعادل بیش‌تر بین مسئولیت‌های فردی و اجتماعی خود بیابند تا از این طریق، انسجام اجتماعی افزایش یابد (گیدنز، ۱۳۷۸، ص ۴۴).

استقرار عدالت در میان مردم

عدالت بنیادی‌ترین اصل در تمامی تعاملات اجتماعی است، حتی خداوند یکی از اصلی‌ترین اهداف رسالت انبیا را عدالت دانسته و می‌فرماید:

«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ

بِالْقِسْطِ» (حدید(۵۷): ۲۵)؛ ما رسولان خود را با دلیل روشن فرستادیم و با

آن‌ها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.

امام علی ۷ عدالت اجتماعی را در بعد ساختاری هم مورد توجه قرار می‌دهد. حضرت در نامه‌ای به مالک اشتر، او را به برقراری عدالت توصیه و سفارش کرده و می‌فرماید:

و باید از کارها آن را بیش‌تر دوست بداری که نه از حق بگذرد و نه فرو

ماند و عدالت آن فراگیرتر بود (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

عدالت هر چیزی را در جای خود می‌نهد؛ در حالی که بخشش آن را از جای خود خارج می‌سازد. عدالت تدبیر عمومی مردم است؛ در حالی که بخشش گروه خاصی را شامل است، پس عدالت شریف‌تر و برتر است (همان، حکمت ۴۳۷). در واقع می‌توان

گفت عدالت اجتماعی، به دلیل این که رضایت عموم مردم را به دنبال دارد، می‌تواند نقش مؤثری در جامعه به عنوان یک سرمایه اجتماعی داشته باشد.

برادری

گرچه مسأله مؤاخات به صورت جمعی در یثرب شکل گرفت، ولی پیامبر 9 از همان سال‌های آغازین بعثتش در مکه، میان عده‌ای از مسلمانان پیمان برادری ایجاد کرد و خود نیز به این وظیفه در یوم الانذار عمل نمود. او دعوتش را بر پایه توحید و برادری نهاد و علی 7 را پس از پذیرش دعوتش برادر خویش خواند. برای نخستین بار واژه اخوت با این خوانش الهی از پیامبر 9 صادر گردید: «ان هذا اخی و وصیی و خلیفتی علیکم فاسمعوا له و اطیعوه»؛ این جوان برادر و وصی و جانشین من است میان شما، به سخنان او گوش دهید و از او پیروی کنید (سبحانی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۲۵۹).

مسأله مؤاخات و برادری دینی در اسلام صرفاً یک شعار سطحی برای رسیدن به اهداف سیاسی و اجتماعی و کسب قدرت و موقعیت نیست. بلکه برادری دینی یک حقیقتی است که سعادت فرد و جامعه اسلامی به آن گره خورده است. لایه‌های عمیق و زیرین این مسأله در قرآن به اختصار و در کلام پیامبر 9 به تفصیل آمده است. در متون روایی از زبان پیامبر 9 پیرامون پیمان مؤاخات و حقوق برادری احادیثی نقل گردیده که آن را می‌توان به عنوان منشور اخوت دینی در جامعه اسلامی بر شمرد. در این منشور برادری، بیش از سی حق و تکلیف ذکر شده است که ناظر به وظایف و تکالیف زندگی اجتماعی است. در فقه شیعه، حقوق برادران ایمانی؛ مانند خیرخواهی، عیادت از مریض، قرض الحسنه و یاری ستم‌دیدگان لازم الاجراست.

مشورت

مشورت و مشارکت‌دادن دیگران در تصمیمات جمعی در امور مهم سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و به بیان مختصر، آنچه به سرنوشت جامعه مربوط است، از مهم‌ترین مسائلی است که اسلام آن را با دقت و اهمیت خاصی مطرح

نموده است و در آموزه‌های دینی و سیره معصومین : جایگاه ویژه‌ای دارد. خداوند در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد که با مسلمانان در امور به مشورت بپردازد «وشاورهم فی الامر» و در آیه ۳۸ سوره شوری، مشورت با دیگران را یکی از اوصاف برجسته مؤمنان در کنار ایمان به خداوند و برپایی نماز قرار داده است.

مسلمانان تحت تربیت اسلامی، از خودخواهی و تکبر خودداری می‌کنند و امور مختلف خود را با مشورت و همکاری با هم انجام می‌دهند و روحیه تعاون و صمیمیت میان آن‌ها تأثیرهای مخرب روابط عمودی و سلسله‌مراتبی را در گروه‌ها و سازمان‌ها از بین می‌برد و باعث ایجاد هم‌کاری و هماهنگی بیش‌تر میان گروه‌ها و سازمان‌های مختلف می‌شود.

امانت‌داری

یکی از عوامل اعتمادساز در فرهنگ دینی، اصل امانت‌داری است. حفظ امانت در نزد همگان نیکو و پسندیده و خیانت به آن نسبت به هرکسی زشت و غیر قابل قبول است. امانت در منابع اسلامی مفهوم گسترده‌ای دارد؛ چنان‌که امانت و امانت‌داری در تمام زوایای زندگی انسان رسوخ پیدا می‌کند و در نتیجه انواع و مصادیق زیادی خواهد یافت. امانت ممکن است بین انسان و خداوند، انسان و خودش و انسان و دیگران باشد که همه اقسام سه‌گانه آن اعتمادزا هستند، ولی در بحث سرمایه اجتماعی بیش‌تر به گونه دوم؛ یعنی امانت بین انسان‌ها می‌پردازند.

بی‌تردید امانت‌داری باعث افزایش اعتماد در بین آحاد جامعه می‌شود و روابط اجتماعی و اقتصادی را تقویت می‌کند. در نتیجه افزایش ثروت، رزق و روزی را به دنبال دارد. شاید کلام حضرت علی علیه السلام 7 که امانت‌داری را موجب ازدیاد رزق می‌داند؛ علاوه بر عوامل معنوی، ازدیاد رزق شامل معنای ذکرشده هم می‌شود (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۲۱).

اگر فرهنگ امانت‌داری بین انسان‌ها برقرار گردد و در ابعاد مختلف در جامعه

گسترش یابد و در جان جامعه نفوذ کند و همه شهروندان در هر منصبی ملزم به رعایت قوانین و آداب امانت‌داری نسبت به اسرار و اموال دیگران باشند، اعتماد و اطمینان متقابل در بین آنها گسترش خواهد یافت و در نتیجه روحیه وحدت و مشارکت افزایش یافته و پیروزی در برابر دشمن را به دنبال خواهد داشت. حضرت علی 7 یکی از عوامل پیروزی لشگریان معاویه را ادای امانت آنها نسبت به رئیس‌شان معرفی می‌کند و در مقابل، عدم رعایت این امانت و خیانت را عامل شکست می‌داند (نهج البلاغه، خطبه ۲۵).

سفارش به عیب‌پوشی مسلمانان نیز جزو این مؤلفه محسوب می‌گردد؛ زیرا بر فرض اطلاع از عیوب دیگر مسلمانان، لازم است افراد از فاش نمودن آن خودداری کنند و با حفظ آبروی آن فرد، اعتماد به صاحب عیب را از بین نبرند. قرآن مجید می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (نساء: ۴)؛ خداوند به شما فرمان می‌دهد امانت‌ها را به اهل آنها بازگردانید.

امام صادق 7 نیز می‌فرماید:

خداوند هیچ پیامبری را برنینگیخته است، جز به راست‌گویی و ادای امانت به نیکوکار و بدکار.

وفای به عهد و پیمان

در آیات بسیاری در قرآن مجید، به وفای عهد و پیمان تأکید شده و قرآن بارها از مسلمانان خواسته است به عهد خود وفا کنند. این توصیه به آن سبب است که نقض عهد در جامعه اسلامی، موجب سلب اعتماد عمومی و در نتیجه کاهش سرمایه اجتماعی می‌گردد. قرآن مجید یکی از ویژگی‌های افراد با ایمان را «وفای به عهد» می‌داند و می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (مؤمنون: ۲۳)؛ و آنان (مومنان) که

به امانت‌ها و عهد و پیمان خود کاملاً وفا می‌کنند.

هم‌چنین پیامبر گرامی اسلام 9 می‌فرماید:

نزدیک‌ترین افراد روز قیامت نسبت به من کسانی هستند که در سخن راست‌گوتر، در ادای امانت کوشاتر و در عهد و پیمان از یک‌دیگر با وفاتر باشند (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۳۲).

به خاطر اهمیت فوق‌العاده‌ای که وفای به عهد دارد، در آموزه‌های اسلامی آمده است هر کس بنخواهد به دیگری وعده‌ای بدهد، باید در موقع دادن وعده، قدرت خود را ارزیابی کند که آیا می‌تواند به وعده‌ای که می‌دهد، وفا کند یا نه و در صورتی که توانایی ندارد، وعده ندهد.

علاوه بر آن، یکی از بدیهی‌ترین ارزش‌های اجتماعی، پای‌بندی به تعهدات است که مقبولیت عمومی دارد و همه عقلا بر آن متفقند؛ تا آن‌جا که برخی از دانشمندان غربی، ریشه همه ارزش‌های اجتماعی را در قراردادهای و تعهدات؛ اعم از قراردادهای آگاهانه و رسمی و یا قراردادهای ارتكازی و ضمنی خلاصه کرده‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ص ۱۶۷)؛ چرا که وفای به عهد، خصلتی انسانی است؛ چه فرد مقابل دشمن باشد یا دوست و چه کوچک باشد و چه بزرگ. امام علی ۷ در فرمان معروف خود به مالک اشتر به جایگاه عهد و پیمان اشاره می‌فرمایند:

و اگر بین خود و دشمن پیمانی بستی و او را از جانب خویش (جامه) امان و آسودگی پوشاندی، به پیمان وفادار باش و پناه دادنت را به درستی رعایت کن و خود را سپر پیمان و زنجاری که داده‌ای قرار ده (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

بنابراین، پای‌بندی به تعهدات، باعث افزایش اعتماد متقابل بین افراد جامعه شده و عامل مهمی در توسعه روابط و هم‌بستگی اجتماعی است؛ زیرا روابط میان انسان‌ها به شدت وابسته به قراردادهای و پیمان‌ها است که کنش‌گران اجتماعی نسبت به یک‌دیگر دارند و پافشاری بر اصل وفای به عهد، در نهایت هم‌کاری و مشارکت افراد جامعه را از نظر کمی و کیفی ارتقا می‌بخشد.

صداقت محوری

یکی از راه‌های ایجاد اعتماد بین شهروندان، شیوع صداقت و راستی در فضای

جامعه است. در حوزه تعلیمات اسلام، صداقت یکی از عناصر مهم ارزشی است. رسول خدا ﷺ فرمود:

برای امتحان مردم، نگاه به زیادی نماز و روزه آن‌ها و کثرت حج و نیکی کردن آن‌ها به مردم و سر و صدای آن‌ها در عبادت شبانه نکنید، ولی نگاه به راست‌گویی و امانت آن‌ها کنید (مکارم شیرازی، ۱۳۶۹، ص ۱۶۱).

امام علی ۷ همواره بر پایه صداقت حکومت می‌کردند و همیشه رعایت این اصل را به کارگزاران خود توصیه می‌نمودند. یکی از سختی‌های خلافت امیرالمؤمنین ۷ همین صداقت و صراحت بود. استاد شهید مطهری می‌نویسد:

مشکل سوم خلافت حضرت، مسأله صداقت و صراحت در سیاست بود که این را هم باز عده‌ای از دوستانش نمی‌پسندیدند، می‌گفتند سیاست این همه صداقت و صراحت بر نمی‌دارد، چاشنی سیاست دغل‌بازی است (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۱۲۵).

در فرهنگ دین و ساختار حکومت دینی، بهره‌گیری از سیاست که مبتنی بر خدعه و نیرنگ باشد، جایز نیست. یکی از امتیازات حکومت علوی، استواری آن بر پایه صداقت است. پنهان‌کاری و ناراستی با مردمان، بی‌حرمتی به آنان است و حکومت صالح هرگز چنین نمی‌کند. امام علی ۷ چون حکومت را به دست گرفت، در خطبه‌ای که روز دوم زمام‌داری خویش ایراد کرد، راه و رسم خود را در این باره چنین بیان کرد:

به خدا سوگند که هیچ سخنی را پنهان نداشته‌ام و دروغ نگفته‌ام که من از چنین مقامی و چنین روزی آگاه شده بودم (نهج البلاغه، خطبه ۱۶).

راه‌بردهای سلبی در ارتقای سرمایه اجتماعی

مؤلفه‌های سلبی موجب می‌شود که اعتماد در جامعه اسلامی دچار خدشه گردد. بنابراین، اسلام با نهی از این مؤلفه‌ها، به حفظ و استمرار اعتماد در جامعه اسلامی پرداخته است. بسیاری از این مؤلفه‌های سلبی در سوره حجرات آمده است. برخی از این مؤلفه‌ها که اسلام از آن‌ها نهی کرده عبارت است از: پرهیز از تهمت، دروغ،

کینه‌ورزی، رشوه، نیرنگ و غش با مسلمانان، سخن‌چینی و غیبت و پرهیز از هر آنچه باعث تفرقه، نفاق و بی‌اعتمادی در جامعه اسلامی گردد، مورد تأکید دین مبین اسلام است.

در قرآن کریم، واژه «فَسَدَ» و مشتقات آن پنجاه بار آمده است. بنا بر آیات قرآن، هرگونه عملی که انسان و جامعه انسانی را از رسیدن به سعادت حقیقی باز دارد، فساد نامیده می‌شود و این واژه در مقابل صالح آمده است:

«وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ» (بقره (۲): ۱۱)؛
و هنگامی که به آنان گفته شود در زمین فساد نکنید، می‌گویند ما خود اصلاح‌کننده‌ایم.

امام علی ۷ نیز در این باره فرموده است:

اگر مردم به هنگام نزول بلا و گرفتارشدن نعمت‌ها، با درستی نیت در پیش‌گاه خدا زاری کنند و با قلب‌های پر از محبت از خداوند بخشش بخواهند، آنچه از دست‌شان رفته، باز خواهد گشت و هرگونه فسادی اصلاح خواهد شد (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۸).

نتیجه آن‌که از دیدگاه آیات و روایات نیز کلمه فساد و مشتقات آن، در موضوع‌هایی به کار می‌رود که انسان و جامعه را از مسیر صحیح و اعتدال خارج کند و به سوی تباهی و نابودی بکشاند. در این قسمت به بررسی برخی از راه‌کارهای سلبی که می‌تواند منجر به کاهش سرمایه اجتماعی شود، می‌پردازیم:

مبارزه با تبعیض

یکی از اصولی که در اسلام در ایجاد اعتماد اجتماعی و بالتبع در ایجاد سرمایه اجتماعی نقش دارد، اصل مساوات و نفی تبعیض است. مطابق شریعت اسلام، تمام انسان‌ها بر حسب گوهر و ذات، برابرند. مردم از این نظر، دو گونه یا چند گونه آفریده نشده‌اند. رنگ، خون، نژاد، قومیت و عواملی از این قبیل، هیچ کدام از نظر اسلام، ملاک برتری و تفوق محسوب نمی‌شود. به همین دلیل، اسلام با هر نوع نظام قشربندی و

طبقه بندی مبتنی بر عوامل مذکور که زمینه ناخرسندی، ناامنی و ستم را در جامعه فراهم می آورد، مبارزه کرده و هرگونه استثمار و مطلق بهره کشی بلاعوض گروهی از انسان ها را نفی نموده است. در صورتی که این اصل در جامعه زنده باشد، افراد جامعه همواره با اطمینان با یکدیگر به تعامل می پردازند؛ زیرا می دانند که کسی مورد بهره برداری دیگران قرار نمی گیرد؛ چون استثمار دیگران در جامعه ممنوع است.

به طوری که می توان گفت یکی از بزرگ ترین آسیب های اجتماعی که به شدت باعث کاهش سرمایه اجتماعی می شود، تبعیض است. این مسأله، اساس و بنیان جامعه را سست می کند و فرآیند رشد و بالندگی آن را متوقف می سازد. معمولاً دو گروه اجتماعی، زمینه های تبعیض را در جامعه به وجود می آورند؛ خویشاوندان، خواص، چه خویشاوندان به دلیل قرابت با حاکمان و خواص به دلیل نفوذ اجتماعی، امکان دستیابی به فرصت های اجتماعی را بیش از دیگران دارند و همین بستر مناسبی را برای ویژه خواری آنان فراهم می آورد.

برای نمونه، زنی از قبیله بنی مخزوم، ظاهراً بعد از فتح مکه، دزدی کرد و شأن و منزلت قبیله این زن که از طایفه اشراف بود، باعث شد که قریش برای ایشان طلب شفاعت کند. برای این منظور، اسامه بن زید را که مورد علاقه پیامبر 9 بود، نزد ایشان فرستادند، پیامبر 9 با شنیدن این خواهش، ناراحت شد و به وی فرمود: آیا در باره حدی از حدود الهی، شفاعت می کنی؟ سپس برخاست و فرمود: ای مردم! قبل از شما کسانی بودند که هلاک شدند و علتش این بود که هنگامی که فرد بزرگی از ایشان دزدی می کرد، رهایش می کردند و زمانی که شخص ضعیفی دزدی می کرد، حد را بر او جاری می کردند. قسم به خدا، اگر فاطمه دختر محمد دزدی کند، حتماً دست او را قطع می کنم (مسلم، ۴۲۷ق، ج ۱۱، ص ۱۸۶).

پرهیز از خشونت

خشونت موجب از بین رفتن سرمایه اجتماعی است و جامعه را به تباهی و سقوط می کشاند. امام علی 7 در ماجرای سقیفه و غصب خلافت می فرماید:

سرانجام اولی حکومت را به راهی در آورد و به دست کسی (عمر) سپرد که مجموعه‌ای از خشونت، سخت‌گیری، اشتباه و پوزش‌طلبی بود. زمام‌دار مانند کسی که بر شتری سرکش سوار است، اگر عنان محکم کشد، پرده‌های بینی حیوان پاره می‌شود و اگر آزادش گذارد، در پرت‌گاه سقوط می‌کند (نهج البلاغه، خطبه ۳).

هم‌چنین حضرت در خصوص نحوه رفتار با مردم، خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش؛ مبدا هرگز چنان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی؛ زیرا مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند. اگر گناهی از آنان سر می‌زند یا علت‌هایی بر آنان عارض می‌شود یا خواسته و ناخواسته، اشتباهی مرتکب می‌گردند، آنان را ببخشای و بر آنان آسان گیر، آن گونه که دوست داری خدا تو را ببخشاید و بر تو آسان گیرد (همان، نامه ۵۳).

بی‌توجهی به حقوق متقابل مردم و رهبری

توجه به حقوق متقابل مردم و رهبری جامعه عامل پایداری پیوند ملت و رهبری است و بی‌توجهی بدان‌ها سبب افول سرمایه اجتماعی می‌شود. امام علی ۷ می‌فرماید: و در میان حقوق الهی، بزرگ‌ترین حق، حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر است؛ حق واجبی که خدای سبحان، بر هر دو گروه الزام شمرد و آن را عامل پایداری پیوند ملت و رهبر و عزت دین قرار داد. پس رعیت اصلاح نمی‌شود جز آن که زمام‌داران اصلاح گردند و زمام‌داران اصلاح نمی‌شوند جز با درست‌کاری رعیت و آن‌گاه که مردم حق رهبری را ادا کنند و زمام‌دار حق مردم را بپردازد، حق در آن جامعه عزت یابد و راه‌های دین پدیدار و نشانه‌های عدالت بر قرار و سنت پیامبر ۹ پایدار گردد، پس روزگار اصلاح شود و مردم در تداوم حکومت امیدوار و دشمن در آرزوهایش مأیوس

می‌گردد. اما اگر مردم بر حکومت چیره شوند یا زمام‌دار بر رعیت ستم کند وحدت کلمه از بین می‌رود، نشانه‌های ستم آشکار و نیرنگ‌بازی در دین فراوان می‌گردد و راه گسترده سنت پیامبر ۹ متروک، هواپرستی فراوان، احکام دین تعطیل و بیماری‌های دل فراوان شود (همان، خطبه ۲۱۶).

در واقع می‌توان گفت برخی از شرایط زمینه‌ای نظیر شیوع فساد و بی‌توجهی به حقوق متقابل مردم و رهبری، نقش مهمی در بی‌اعتمادی و فرسایش سرمایه اجتماعی ایفا کرده و نهایتاً بر اساس نتایج می‌توان بیان کرد که پیامد چنین عواملی می‌تواند به کاهش سرمایه اجتماعی منجر شود.

تملق و چاپلوسی

به‌خصوص تملق زمام‌داران سبب بی‌اعتمادی و ظاهرسازی تعاملات اجتماعی و موجب فرسایش سرمایه اجتماعی می‌شود. امام علی 7 می‌فرماید:

مردم از پست‌ترین حالات زمام‌داران در نزد صالحان این است که گمان برند آن‌ها دوست‌دار ستایش‌اند و کشورداری آنان بر کبر و خودپسندی استوار باشد و خوش ندارم، در خاطر شما بگذرد که من ستایش را دوست دارم و خواهان شنیدن آن می‌باشم. سپاس خدا را که چنین نبودم و اگر ستایش را دوست می‌داشتم، آن را رها می‌کردم به خاطر فروتنی در پیش‌گاه خدای سبحان و بزرگی و بزرگواری که تنها خدا سزاوار آن است. گاهی مردم، ستودن افرادی را برای کار و تلاش روا می‌دانند. اما من از شما می‌خواهم که مرا با سخنان زیبایی خود مستایید تا از عهده وظایفی که نسبت به خدا و شما دارم، بر آیم و حقوقی که مانده است، پردازم و واجباتی که بر عهده من است و باید انجام گیرد، ادا کنم. پس با من چنان‌که با پادشاهان سرکش سخن می‌گویند، حرف نزنید و چنان‌که از آدم‌های خشمگین کناره می‌گیرند، دوری نجوید و با ظاهرسازی با من رفتار نکنید و گمان مبرید اگر حقی به من پیشنهاد دهید، بر من گران آید یا در پی بزرگ نشان‌دادن خویشم؛ زیرا

کسی که شنیدن حق یا عرضه شدن عدالت بر او مشکل باشد، عمل کردن به آن، برای او دشوارتر خواهد بود. پس، از گفتن حق یا مشورت در عدالت خودداری نکنید؛ زیرا خود را برتر از آن که اشتباه کنم و از آن ایمن باشم، نمی دانم، مگر آن که خداوند مرا حفظ فرماید (همان، خطبه ۲۱۶).

اشرفی گری

امام علی 7 اشرفی گری را نکوهش می کند. زمانی که به امام خبر رسید که عثمان پسر حنیف انصاری که عامل او در بصره به مهمانی سرمایه داری دعوت شده و به آن مهمانی رفته است، به شدت بر آشفته می شود و می فرماید:

پس از یاد خدا و درود، ای پسر حنیف! به من گزارش دادند که مردی از سرمایه داران بصره، تو را به مهمانی خویش فرا خواند و تو به سرعت به سوی آن شتافتی! خوردنی های رنگارنگ برای تو آوردند و کاسه های پر از غذا، پی در پی جلوی تو نهادند، گمان نمی کردم مهمانی مردمی را بپذیری که نیازمندان شان با ستم محروم شده و ثروت مندان شان بر سر سفره دعوت شده اند، اندیشه کن در کجایی و بر سر کدام سفره می خوری، پس آن غذایی که حلال و حرام بودنش را نمی دانی دور بیفکن و آنچه را به پاکیزگی و حلال بودنش یقین داری مصرف کن، آگاه باش هر پیروی را امامی است که از او پیروی می کند و از نور دانشش روشنی می گیرد، آگاه باش امام شما از دنیای خود به دو جامه فرسوده و دو قرص نان رضایت داده است، بدانید که شما توانایی چنین کاری را ندارید، اما با پرهیزگاری و تلاش فراوان و پاک دامنی و راستی، مرا یاری دهید. پس سوگند به خدا من از دنیای شما طلا و نقره ای نیندوخته و از غنیمت های آن چیزی ذخیره نکرده ام، بر دو جامه کهنه ای نیفزودم و از زمین دنیا، حتی یک و جب در اختیار نگرفتم و دنیای شما در چشم من از دانه تلخ درخت بلوط ناچیزتر است (همان، نامه ۴۵).

از نظر امام علی 7 نظام مبتنی بر اشرافیت، نظامی مبتنی بر منافع شخصی است و این مسأله با سرمایه اجتماعی که تأکید بر منافع جمعی دارد، در تضاد است. زندگی توأم با رفاه و تجمل‌گرایی حاکمان، اعتماد مردم را تباه می‌کند و موجب فرسایش سرمایه اجتماعی می‌شود.

رشوه

«رشوه» و «ارتشاء» در معانی گوناگونی به کار برده شده است؛ از جمله در مصباح المنیر آمده است:

چیزی که به حاکم شرع و یا اشخاصی اعطا می‌گردد تا به نفع او حکمی صادر گردد و یا آنان را به سود رشوه‌دهنده وادار نماید (فیومی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۲۰).

در کتاب مجمع البحرین گفته شده است:

رشوه غالباً در اعطای چیزی به منظور ابطال حقی و یا احیای باطلی به کار برده می‌شود (طریحی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۸۲).

رشوه حرام است و بر حرمت رشوه، قرآن و سنت دلالت می‌کند (شیخ انصاری، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۳۵۴).

در حرمت رشوه، حتی برای حکم کردن به حق و یا برای توجه و بررسی امر اشخاصی که دعوای خود را نزد او طرح کرده‌اند نیز تأکید شده است.

موضوع رشوه و آثار زیان‌بار آن، از دو جنبه فردی و اجتماعی قابل بررسی است. در بعد فردی، علاوه بر این که شخص خاطی، در هر دو جهان مورد لعن و غضب خداوند متعال قرار می‌گیرد، در زندگی دنیوی نیز از آسیب‌های ناشی از این عمل ناپسند مصون نخواهد بود. رشوه، پایه‌های عدالت اجتماعی را سست و متزلزل می‌سازد و جامعه اسلامی و نهادها را تضعیف، که این امر باعث خشم، نارضایتی عمومی و در نتیجه کاهش سرمایه اجتماعی می‌شود که جامعه را به بی‌ثباتی بیش‌تر و تشدید تضادهای خشونت‌آمیز تهدید می‌کند.

نتیجه‌گیری

سرمایه اجتماعی اصطلاحی جدید در عصر حاضر به شمار می‌رود؛ با این وجود، اما مفاهیم اساسی تشکیل‌دهنده این موضوع که در تعاریف و نگاه‌های اندیشمندان آمده را می‌توان به شکل بسیار عمیق‌تری در منابع اسلامی و فقه شیعه پی گرفت. برخی از این مفاهیم اساسی عبارتند از اعتماد، انسجام، صداقت، راستی و درستی. به نظر می‌رسد هر آنچه در اصلاح و افزایش این مفاهیم نقش مؤثری داشته باشد را می‌توان در زمره عوامل غیر مستقیم افزایش سرمایه اجتماعی به حساب آورد. علاوه بر آن، راهکارهای ایجابی در آموزه‌های اسلامی، در اصلاح یا افزایش این مفاهیم نیز قوام‌بخش نقش دین در ارتقای سرمایه اجتماعی به حساب می‌آید. چرا که یکی از روش‌های درک نقش تعالیم اسلامی در ارتقای سرمایه اجتماعی، بررسی عوامل مؤثر در تقویت سرمایه اجتماعی است. مضاف بر این‌که روش عمل‌کرد معصومین : و سیره رسول اکرم ﷺ در خصوص جامعه اسلامی و اثر آن عمل‌کرد بر مفاهیم اساسی، سرمایه اجتماعی است. با توجه به مطالبی که گذشت، می‌توان دریافت که آموزه‌های اسلامی از راه‌های گوناگون، نقش مهمی در ایجاد سرمایه اجتماعی ایفا می‌کنند. به دلیل آن‌که بیش‌تر احکام فقهی که شارع مقدس آن را در قالب احکام خمسسه تکلیفیه برای مکلفین تکلیف کرده است، علاوه بر نقش هدایت انسان به سوی کمال و مقام والای انسانیت، نقش متمایزی در ایجاد سرمایه اجتماعی دارند؛ چرا که وقتی به طور خاص، یکایک احکام فقهی در تمامی موارد فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی مورد واکاوی و مذاقه قرار می‌گیرد، هر یک بنا به حکمتی است که نهایتاً به قوام سرمایه اجتماعی در جامعه منجر می‌شود. در نتیجه کم‌تر پدیده‌ای را می‌توان یافت که بتواند در این خصوص جانشین دین قرار بگیرد و نقش دین را در این زمینه ایفا نماید. گر چه برخی آموزه‌ها در انحصار دین نیستند، ولی وقتی دین آن‌ها را مورد تأکید قرار می‌دهد، رغبت و میل بیش‌تری در انجام آن‌ها در میان مردم به وجود می‌آید. هر چقدر افراد یک جامعه به معنای واقعی و به دور از ظاهر‌نمایی و ریا، به اجرای احکام دینی متعهدتر باشند، به همان نسبت سرمایه اجتماعی آنان نیز افزایش خواهد یافت.

در یک جمع بندی کلی می توان دریافت که در تعالیم اسلامی، بدون آن که به طور صریح از سرمایه اجتماعی نام برده شود، ولی مصادیق، مضامین و مفاد فراوانی را در آیات و روایات و متون فقهی می توان مشاهده کرد که به این امر تصریح دارد. بنابراین، دین از راه های گوناگون تأثیر مهمی بر روی عناصر سازنده مؤلفه های سرمایه اجتماعی گذاشته و می گذارد؛ از آن جا که بیش تر آموزه های مؤثر در ایجاد سرمایه اجتماعی منحصر به دین هستند، کم تر پدیده ای است که در این جهت بتواند بدیل دین قرار بگیرد و کارکرد و نقش دین را در این زمینه ایفا نماید. در نتیجه هر مقدار ارزش های دینی، فرهنگی و اخلاقی در جامعه تقویت شود، رفتار افراد پیش بینی پذیر خواهد بود؛ زیرا که افراد در چهارچوب قواعد خاصی رفتار می کنند. از این رو، قابلیت اعتماد افراد بین آحاد جامعه و حکومت بیش تر و در نتیجه مناسبات اجتماعی روان تر و کم هزینه تر صورت می گیرد. این همان چیزی است که سرمایه اجتماعی در پی آن است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن عاشور، محمدطاهر، تفسیر التحریر و التنویر، المعروف بتفسیر ابن عاشور، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.
۴. ارسلان مقدم، زینب، «مؤلفه های سرمایه اجتماعی در سیره نبوی»، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرکزی، پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج)، ایراندک، ۱۳۹۴.
۵. بحرانی، سیدهاشم، غایة المرام و حجة الخصام فی تعیین الامام من طریق الخام و العام، بیروت: چاپ علی عاشور، ۱۴۲۲ق.
۶. برقی، احمدبن محمد، المحاسن، قم: چاپ جلال الدین محدث ارموی، ۱۳۳۱.
۷. جعفری، سکینه و میرمقدم، کاظم، «بررسی نقش رهبری خدمت گزار در توسعه سرمایه اجتماعی»، توسعه مدیریت منابع انسانی و پشتیبانی، ش ۲۸، تابستان ۱۳۹۲.
۸. جوادی آملی، عبدالله، ولایت، فقاہت و عدالت، قم: مرکز نشر اسراء، ج ۱۳، ۱۳۸۷.
۹. جوکار، محمد مهدی «مؤلفه های قدرت نرم از منظر فقه سیاسی اسلام؛ با تأکید بر وظیفه مندی حکومت در جلب اعتماد مردم»، دانشگاه قم: دانشکده الهیات و معارف اسلامی، پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج)، ایراندک، ۱۳۹۴.

۱۰. حرانی، ابن شعبه، **تحف العقول عن آل الرسول ۹**، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۳.
۱۱. خسروانی، علیرضا، **تفسیر خسروی**، تحقیق محمدباقر بهبودی، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۹۰ق.
۱۲. سبحانی، جعفر، **فروع ابدیت**، ج ۱، قم: نشر اسلامی، ۱۳۶۴.
۱۳. شکریبگی، نرگس، «بازتاب سرمایه اجتماعی در قرآن و حدیث»، دانشگاه ایلام، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، **پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج)**، ایرانداک، ۱۳۹۶.
۱۴. شکوری، ابوالفضل، **فقه سیاسی اسلام**، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۷۷.
۱۵. شیخ انصاری، مرتضی بن محمد امین، **المکاسب**، مترجم: محمدمسعود عباسی، ج ۱، قم: انتشارات دارالعلم، ج ۴، ۱۳۹۳.
۱۶. طریحی، فخرالدین، **مجمع البحرين**، ج ۱، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷.
۱۷. علامه حلی، حسن بن یوسف بن علی، **تبصرة المتعلمین**، مترجم و شارح: علامه حاج شیخ ابوالحسن شعرانی، تهران: چاپ افست اسلامیة، ج ۳، ۱۳۷۲.
۱۸. فنائی، هادی، «بازخوانش بنیادهای مفهومی سرمایه اجتماعی در متون دینی»، **مجموعه مقالات اولین همایش ملی سرمایه اجتماعی بر پایه آموزه‌های اسلامی**، قزوین: دانشگاه بین المللی امام خمینی، ۱۳۹۸.
۱۹. فیض، علیرضا، **مبایدهای فقه و اصول**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
۲۰. فیومی، احمد بن محمد، **المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی**، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
۲۱. قرائتی، محسن، **تفسیر نور**، ج ۱، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸.
۲۲. قرشی بنابی، علی اکبر، **تفسیر احسن الحدیث**، تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۷۵.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۴. گیدنز، آنتونی، **تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید**، مترجم: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی، ۱۳۷۸.
۲۵. محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن، **شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، تهران: انتشارات استقلال، ۱۳۷۳.

۲۶. محمدی، حسن، «بازشناخت مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر اساس روابط افراد با یک‌دیگر در آموزه‌های اسلامی»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی سرمایه اجتماعی بر پایه آموزه‌های اسلامی، قزوین: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، ۱۳۹۸.
۲۷. مسلم، ابن حجاج، صحیح مسلم، تدوین توسط نظر بن محمد الفاریابی، ج ۱۱، بی‌جا: دار طیبه، ۱۴۲۷ق.
۲۸. مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۸.
۲۹. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، تهران: صدرا، ۱۳۷۷.
۳۰. معین، محمد، فرهنگ معین، ج ۱، تهران: نشر سرایش، ۱۳۸۴.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، مدیریت و فرماندهی در اسلام، قم: مطبوعاتی هدف، ۱۳۶۹.
۳۲. میریان، فردوس و صمدانیان، محسن، «هنجارهای اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه»، مجله مطالعات اسلامی، علوم قرآن و حدیث، ش ۸۲/۳، بهار و تابستان ۱۳۸۸.